

طراحی مدل ساختاری-تفسیری (ISM) عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت پایدار شهروندی*

هادی سیفی فرزاد- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زهرا احمدی پور^۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد رضا حافظنیا - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محسن مرادیان - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

چکیده

حق حیات و امنیت از جمله حقوق طبیعی و مقدم و اساس برخوردار از دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است، امنیت به‌عنوان شرط بنیادین حیات انسانی در همه‌جای دنیا و اکثر اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها قابل‌درک بوده و مورد تأکید قرار گرفته است. امنیت از جنبه‌های سنتی که بیشتر بر ابعاد فیزیکی و نظامی تأکید داشته فاصله گرفته است و ابعاد بیشتر و کامل‌تری از زندگی انسان را در بر گرفته است. در این بین امنیت پایدار شهروندی از مفاهیم نوینی است که ضمن در بر گرفتن ابعاد قبلی، جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و با مرجع قرار دادن انسان مستقیماً با کیفیت زندگی و کرامت انسانی در ارتباط است؛ مسئله اصلی شناسایی عوامل و شاخص‌های شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی است؛ تا با شناسایی این عوامل به‌وسیله مدل‌سازی ساختاری تفسیری ارتباط هم‌افزایانه بین عوامل مشخص گردد. از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات از نوع پژوهش‌های کتابخانه‌ای و توصیفی است. عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی بر اساس مطالعه ادبیات و اسناد بین‌المللی و مصاحبه با خبرگان مشخص گردیده و سپس با استفاده از متدولوژی تحلیلی نوین مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) روابط بین عوامل تعیین و به‌صورت یکپارچه تحلیل شده است. در نهایت با استفاده از تحلیل MICMAC، عوامل با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر عوامل، تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عوامل سیاسی و اقتصادی با بیشترین قدرت نفوذ، زیربنا و محرک اصلی شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی است و هرگونه اقدام برای ایجاد و ارتقای امنیت پایدار شهروندی، مستلزم اصلاحات در این ۲ عامل است. عوامل پیوندی شامل اجتماعی، بهداشتی، غذایی، محیطی نیز با تعدد خود در این سیستم نقش حیاتی را بازی می‌کنند. عامل شخصی/فردی در این سیستم منفعل بوده و در ارتباط با مفهوم امنیت پایدار شهروندی تحت تأثیر سایر عوامل است.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار شهروندی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تحلیل MICMAC.

*. این مقاله برگرفته از رساله آقای هادی سیفی فرزاد در رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

مقدمه

امنیت به عنوان شرط حیات انسانی از حقوق طبیعی و مقدم انسان است. امروزه با گسترش شهرنشینی و فضاهای شهری به گونه‌ای که بیش از نیمی از جمعیت کره زمین در شهرها زندگی می‌کنند، بحث امنیت شهرها و ساکنان آن مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد. شهرها دارای مسائل و بحران‌هایی در ابعاد مختلف هستند که امنیت را متأثر می‌کنند. امنیت سنتی که بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی و نظامی تأکید دارد، بخش ابتدایی امنیت است؛ این در صورتی است که برای ایجاد پایداری و تداوم جامعه بشری در شهرها مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعددی مطرح می‌شود که با امنیت شهروندی در ارتباط است. امنیت پایدار شهروندی به عنوان بعد جدیدی از امنیت، برای رسیدن به پایداری در شهرها در مسیر توسعه پایدار، ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی را در درون خود جای داده است که با نگرش سنتی امنیت تفاوت دارد. امنیت پایدار به دنبال حل و از بین بردن ریشه‌های ناامنی با گسترش رفاه و آسایش، توجه به مسائل زیست‌محیطی، از بین بردن فقر و نابرابری، عدالت و... هست.

مفهوم امنیت در شهرها از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی و محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را درگرفته است، به طوری که امروزه امنیت در شهرها شامل تمامی مفاهیم اجتماعی و اقتصادی است (سرور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸). پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعه‌ای است که بر پایه آن، به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و... در کنار یکدیگر و تعامل باهم توجه می‌شود (احمدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۰). استفاده از مفهوم امنیت انسانی در شهرها و توسط سیاست‌گذاران شهری به عنوان میزانی برای سنجش موفقیت در برنامه‌ها است؛ و نبود آن در برنامه‌ریزی‌ها توسعه شهری، ارائه خدمات شهری و الگوهای زندگی روزمره در فضاهای شهری را با مشکلات چشم‌گیری مواجه می‌کند که نتیجه آن، رشد چشم‌گیر چشم‌اندازهای نابرابر اقتصادی و حاشیه‌نشینی است (Bollens, 2008: 36). پژوهش‌های مشابهی توسط اصغر عسگری خانقاه و همکاران، سال ۱۳۹۴ با عنوان "نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان" صورت گرفته است؛ در این پژوهش به نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان پرداخته شده است، به گونه‌ای که سعی شده است نقش نهادها مردمی را در این زمینه نشان دهند. در این راستا از مکتب نظری کارکردگرایی برونیسلاو مالینوفسکی استفاده شده است. با این وجود این پژوهش به ارائه مفهوم کامل و دقیقی از امنیت پایدار نپرداخته و امنیت پایدار شهری را تشریح نکرده است. علاوه بر آن مؤلفه اصلی امنیت پایدار را خلاصه در چند مورد بیان کرده است؛ در صورتی که این عوامل بیشتر است و با توجه به مفهوم پایداری جنبه زیست‌محیطی نیز دارد که به آن پرداخته نشده است. محمود رضا میر لطفی و همکاران، سال ۱۳۹۳ با عنوان "تحلیل اثرات سکونتگاه‌های روستایی مرزی بر امنیت پایدار (مطالعه موردی: مناطق روستایی سیستان)؛" در این پژوهش عدم توسعه و وضعیت بد اقتصادی و کمبود منابع آبی که در زمینه سکونتگاه‌های روستایی مرزی سیستان وجود دارد زمینه بیکاری و فقر بوده و به مهاجرت جمعیت مرزنشینان منجر می‌گردد. که به تبع آن جمعیت این نواحی تخلیه شده و این به نوبه خود باز باعث کاهش امنیت این مناطق می‌گردد. ابوالفضل شکوری و همکاران، سال ۱۳۹۰، با عنوان "الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران؛" در این پژوهش بر الگوی بومی و به نوعی ایرانی اسلامی امنیت پایدار برای ج.ا.ایران تأکید دارد؛ در این راستا اسلام، توحید و تربیت دینی را مؤلفه‌های اصلی این الگو می‌داند. همان‌طور که مشخص است این پژوهش امنیت پایدار را با امنیت ملی جابجا استفاده کرده است؛ دید یک‌جانبه و ارزشی به مسئله امنیت پایدار داشته و همین‌طور مطالعات نظری و بنیادی در راستای مفهوم‌سازی امنیت پایدار نداشته است. غلامعلی خمر و همکاران، سال ۱۳۹۳، با عنوان "بررسی امنیت پایدار پارک ملت شهر زابل با تأکید بر خواست شهروندان؛" هدف این

پژوهش این است که امنیت پایدار را در پارک ملت شهر زابل موردسنجش قرار دهد. امنیت را با شاخص‌هایی همچون مبلمان شهری، کنترل مکان، ادراک بصری فضای سبز، امکانات رفاهی، بهداشت و نظافت و بررسی کفپوش‌ها، از نظر مردم موردسنجش قرار داده است. همان‌طور که مشخص است مفهوم امنیت پایدار در این پژوهش از دید شهرسازی و کالبدی موردتوجه قرار گرفته و معنای درست امنیت پایدار به‌واقع ذکر نشده است. و همین‌طور امنیت پایدار از جنبه فیزیکی مورد تأکید قرار داده است. بلینس^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۷ در پژوهشی با عنوان "توسعه پایدار و امنیت جهانی" توسعه پایدار را در جهت و رسیدن به امنیت جهانی بررسی کرده است، به عبارتی امنیت پایدار را نوعی امنیت جهان‌شمول می‌داند یعنی امنیت پایدار در راستای توسعه پایدار شکل خواهد گرفت در صورتی که جامعیت جهانی داشته باشد. این مقاله امنیت پایدار را از دید اقتصادی مورد تأکید قرار داده است. هادسون^۲ و همکاران در سال ۲۰۱۰ در پژوهشی با عنوان "امنیت اکولوژی شهری، پارادایم جدید شهری" این پژوهش تأکید بر امنیت زیست‌محیطی در امنیت شهری دارد و سایر مؤلفه‌های امنیت پایدار در نظر نگرفته است، نکته این مقاله توجه به بحث پایداری در مفهوم امنیت است که این مبحث آن را با سایر پژوهش‌ها جدا می‌کند. آینده شهری را در گرو امنیت زیست‌محیطی می‌داند و زیرساخت سازی شهری را در این زمینه مفید ذکر کرده است.

باوجود اهمیت پایداری در مفهوم امنیت شهروندی این مفهوم هنوز به‌صورت دقیق تعریف و تحلیل نشده است؛ جست‌وجوی مفهوم امنیت پایدار شهروندی به فارسی و انگلیسی در زمان کنونی دال بر این ادعا است. این مقاله برای اولین بار مفهوم امنیت پایدار شهروندی را تعریف و ارتباط عوامل ایجاد این مفهوم را با مدل‌سازی ساختاری تفسیری تحلیل می‌کند. مطالعات انجام‌شده در این زمینه بیشتر امنیت پایدار را در مقیاس ملی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و به‌طور دقیق عوامل و ارتباط هم‌افزاینه عوامل را بررسی نکرده‌اند؛ در صورتی که مفهوم امنیت پایدار شهروندی برگرفته از مفهوم پایداری است؛ در این پژوهش، مفهوم امنیت پایدار شهروندی در مقیاس شهر با مرجعیت شهروند، با تأکید بر شهر پایدار، توسعه پایدار و مسائل و بحران‌های شهری موردتوجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین عوامل شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی برگرفته از ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان بوده؛ این عوامل ضمن مشخص شدن، باید از نظر میزان اثرگذاری در ایجاد امنیت پایدار شهروندی، نیز تقسیم‌بندی شوند؛ و نحوه ارتباط این عوامل با یکدیگر برای ایجاد سیستم پیچیده امنیت پایدار شهروندی مشخص گردد.

مبانی نظری

واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود» (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۷). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی "احساس آزادی از ترس" یا "احساس ایمنی" که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶). در گفتمان جنگ سرد، امنیت به مفهوم حفاظت از ارزش‌های اساسی، هنجارها، قواعد و نهادهای جامعه بود. این تعریف، نظام دولت‌ها و اصول، ارزش‌ها و هنجارهای ناشی از آن را دربرمی‌گرفت. به‌علاوه، شامل حمایت از مردم و تأسیسات و اصول حقوقی آن‌ها در برابر تهدیدات نظامی و غیرنظامی و تضمین الزامات اساسی و آزادی‌های بنیادین بود؛ و نقش نیروی نظامی در تحقق امنیت، برجسته‌تر از سایر جنبه‌هاست (Makinda, 2008: 329). پس از جنگ سرد، نوعی بازنگری ریشه‌ای در تفکرات امنیتی صورت گرفت؛ این بازنگری تنها موجب افزودن موضوعات جدید به برنامه‌های امنیتی حکومت‌ها نشد، بلکه تصویر غنی‌تری از امنیت

1 .Blinc

2 .Hodson

ارائه؛ و دربردارنده تمام مسائل مسبب ناامنی (اجتماعی، سیاسی و محدودیت‌های نظامی) بود. شناسایی امنیت در راستای تهدیدات متنوع زندگی بشر صورت گرفت که نمی‌توان آن تهدیدات را در سطح دولت تصور کرد، بلکه باید تمام سطوح زندگی افراد و گروه‌ها را مدنظر قرارداد (Bilgin, 2007: 31-32). ایجاد تحول و دگرگونی در مفهوم امنیت و به‌بیان‌دیگر، توسعه این مفهوم در دهه ۱۹۹۰ به اشکال مختلفی پدیدار شده است: بسط مفهوم از امنیت ملت‌ها به امنیت اشخاص و گروه‌ها، گسترش مفهوم از امنیت کشورها به‌سوی امنیت نظام بین‌الملل و درواقع، محیط‌های فراملی، مطرح‌شدن مفاهیمی چون امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و انسانی در کنار امنیت نظامی و درنهایت، توسعه مسئولیت سیاسی برای تضمین امنیت که علاوه بر دولت‌های ملی به سمت نهادهای بین‌المللی، حکومت‌های منطقه‌ای و محلی گسترش یافته است (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۹). این تحولات در مفهوم امنیت، شامل دگرگونی است که مرجع و مقیاس امنیت را در برنامه‌ریزی‌ها، برای رسیدن به رفاه و آسایش انسانی موردتوجه قرار داده است. امنیت شهری نیز در درون این تحول قرار گرفته است. امنیت شهری با مرجعیت شهروند و انسان، زاده چنین دگرگونی در مفهوم امنیت است. به عبارتی امنیت انسانی و امنیت پایدار شهروندی در درون این تحولات مفهومی شکل گرفت.

در ادامه تحولات مفهوم امنیت، در سال ۱۹۹۴، برنامه توسعه سازمان ملل متحد در تعریف خود از امنیت به‌جای مرجع قرار دادن دولت و امنیت ملی، مفاهیم فردی و انسانی را در اولویت قرارداد. رهایی از آسیب به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی جزء جنبه‌های اصلی این مفهوم است. به‌گونه‌ای که آزادی از ترس و نیاز در زندگی روزمره، اشتغال، آموزش، مسکن و بهداشت به‌صورت به‌هم‌پیوسته قرار گرفته‌اند (Bollens, 2008: 36). «هدف امنیت انسانی حفاظت از هسته حیاتی زندگی همه انسان‌ها در برابر تهدیدات شایع و حاد است به‌گونه‌ای که با رضایت و کرامت بلندمدت انسانی سازگار باشد» (Sabina, 2003: 2). ابعاد امنیت انسانی در گزارش توسعه سازمان ملل متحد که توسط محبوب الخلق^۱ دیپلمات پاکستانی ارائه شد دارای ۷ بعد اساسی است (Human Development Report, 1994: 24).

جدول شماره ۱. ابعاد امنیت انسانی از دیدگاه گزارش توسعه سازمان ملل متحد

ابعاد امنیت انسانی	شرح
امنیت اقتصادی	در چهارچوب امنیت انسانی، مستلزم نوعی درآمد اولیه تضمین شده برای افراد به‌واسطه کار تولیدی یا خیریه است و یا درنهایت توسط شبکه تأمین مالی عمومی برقرار می‌شود.
امنیت غذایی	بدان معنی که همه مردم در همه زمان‌ها دسترسی اقتصادی و فیزیکی به غذای اولیه را داشته باشند.
امنیت سلامت	به‌منزله تضمین نوعی حفاظت حداقلی در برابر بیماری‌ها و سبک‌های زندگی غیربهداشتی است.
امنیت زیست‌محیطی	حفاظت از مردم در برابر تخریب کوتاه و بلندمدت طبیعت، تهدیدات انسان‌ساخت در قبال آن و زوال محیط‌زیست طبیعی است. دسترسی به آب پاکیزه از مهم‌ترین مشکلات جامعه بشری کنونی هست.
امنیت شخصی/فردی	شامل حفاظت مردم در برابر خشونت‌های فیزیکی (چه از سوی دولت خودی چه از سوی دولت خارجی)، افراد خشونت‌گرا و عوامل فرو ملی، تجاوز جنسی یا سوءاستفاده از کودکان و سالمندان؛ با تأکید ویژه بر جرائم خشونت‌آمیز
امنیت جمعی / اجتماع	امنیت جمعی به شأن و احترام فرهنگی، خانواده، زبان، سنت‌ها و صلح بین جمعی اشاره دارد؛ حفاظت از مردم در برابر روابط و ارزش‌های سنتی زبان‌آور و خشونت‌های قومی و قبیله‌ای؛ عدم تهدید شدن اقلیت‌ها در ابعاد گوناگون
امنیت سیاسی	بیانگر زندگی مردم در جامعه‌ای است که در آن به حقوق بشر اولیه آن‌ها احترام گذاشته می‌شود. بازداشت خشونت‌آمیز، شکنجه نظام‌مند، بدمداری و ناپدید کردن مخالفان سیاسی و ... این بعد را تهدید می‌کند.

امنیت انسانی وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن نیازهای مادی اولیه انسانی تأمین شده و شخصیت و هویت انسانی (شامل مشارکت معنادار در زندگی اجتماعی) تحقق یافته باشد. این‌گونه نیست که تأمین آن برای یک دسته از افراد هزینه‌هایی را برای افراد دیگری به دنبال داشته باشد (کارولین، ۱۳۸۲: ۲۶). امنیت انسانی در فضاهای شهری دارای ابعاد

متعددی است، به طوری که صرفاً وجود یا رهایی از ناامنی و تهدید آخسونت آمیز در شهر را شامل نمی‌شود، این مفهوم شامل یک نوع تهدید/خسونت ساختاری که باعث ایجاد و ابقاء ضعف و محرومیت شهری می‌شود. تهدید ساختاری در سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌شود و موجب توزیع نابرابر قدرت و حتی امید به زندگی در فضاهای شهری می‌شود. اشکال مختلف بهره‌برداری، تبعیض و محرومیت‌های ایجاد شده توسط سازمان‌ها و منافع شخصی قدرتمند می‌تواند تقسیمات دائمی نابرابر اقتصادی و اجتماعی را در شهر ایجاد کند؛ امنیت انسانی در شهر را می‌توان رهایی از ترس و نیاز شهروند تعریف کرد. رهایی از ترس و نیاز را می‌توان بهترین راه حل مسئله ناامنی در جهان، به خصوص در شهروندان دانست (Bollens, 2008:36). مفهوم شهروند ناظر به مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است. شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن و فراگیر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی، ناظر به احساس تعلق اجتماعی به جامعه و مؤثر در مشارکت همگانی، به همراه برخورداری عادلانه و منصفانه تمام اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازهای فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۵۶).

جدول شماره ۲. ویژگی‌های اصلی جوامع پایدار و ناپایدار

معیار	جوامع پایدار	جوامع ناپایدار
رشد اقتصادی	از پایه و ساخته شدن آن با تعهدات بلندمدت که طیف وسیعی از کارگران و عاملین و کارگزاران مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود.	وابسته به توسعه، فقدان فرصت‌های شغلی، آسیب‌پذیر، کوتاه‌مدت، ناامن و تقسیم شده
شهروندی	جامعه و شهروندان فعال، نظارت بلندمدت جامعه، نامزدی سیاسی مؤثر و سالم شهروندان، سرمایه اجتماعی قوی	جامعه و شهروندان منفعل و وابسته، کمبود مالکیت و مشارکت اجتماعی، سطح پایین فعالیت اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی
نحوه حکومت	نماینده مدار، دارای سیستم‌های پاسخگو، تعادل استراتژیک، چشم‌اندازهای سیاسی بالا به پایین با گنجاندن نظرات پایین به بالا	سیستم‌های حکومتی بسته و غیر پاسخگو، فقدان سیاست‌های چشم‌گیر فضایی، وابستگی بیش از حد به فرم‌های منفعل برنامه‌ریزی،
ویژگی‌های جامعه	وجود طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها و نیروی کار، اهمیت و احترام قائل شدن به ظرفیت‌های قومی و اجتماعی جامعه، جامعه متعادل از نظر اقتصادی و امکانات اجتماعی، محله محور بودن	عدم مهارت در نیروی کار، کمبود جمعیت، جدایی گروه‌ها و تنوع‌ها، فاصله‌های زیاد اقتصادی، ناسازگاری از محله
طراحی‌های شهری	معماری متنوع، فضاهای عمومی در دسترس، تراکم شهری بالاتر با طیف وسیعی از امکانات، جوامع خودمدار و ایجاد محله	معماری یکنواخت، فضاهای عمومی بسته شده، غیرقابل دسترس بودن طیف امکانات برای همه، پراکندگی مراکز شهری، توسعه بیرونی وسیع شهر
ابعاد محیطی	استفاده مجدد از مواد و محصولات استفاده شده در حد گسترده، بالا بودن میزان استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، افزایش کیفیت حمل و نقل عمومی	نبود سیستم کارآمد بازگشت، وابستگی به ماشین، نبود حمل و نقل عمومی با کیفیت و گسترده
کیفیت زندگی	دارای محیط‌های جذاب، کیفیت بالای زندگی، تعادل در فاصله کیفیت زندگی بین گروه‌های اجتماعی	پایین بودن کیفیت زندگی و فشار بر طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی
هویت، تعلق و ایمنی	حس هویت و تعلق اجتماعی بالا، تساهل، احترام و تعامل بین افراد دارای زمینه‌های متنوع، سطح پایین جرم و رفتارهای ضد اجتماعی	فقدان فرهنگ همبستگی‌های محلی، غیرقابل تحمل بودن تنوع، سطح بالای اختلاس جرم و ترس

منبع: (Raco, 2007:307)

گزارش نهاد بین‌المللی توسعه شهروندی UNDP مفهوم امنیت شهروندی را حفاظت از آزادی هر فرد به منظور افزایش رفاه و شأن وی تعریف کرده است (UNDP, 1994:82-81). در نظریات امنیت پایدار، کیفیت زندگی، محور مباحث

- 1 .Threat
- 2 .Structural violence

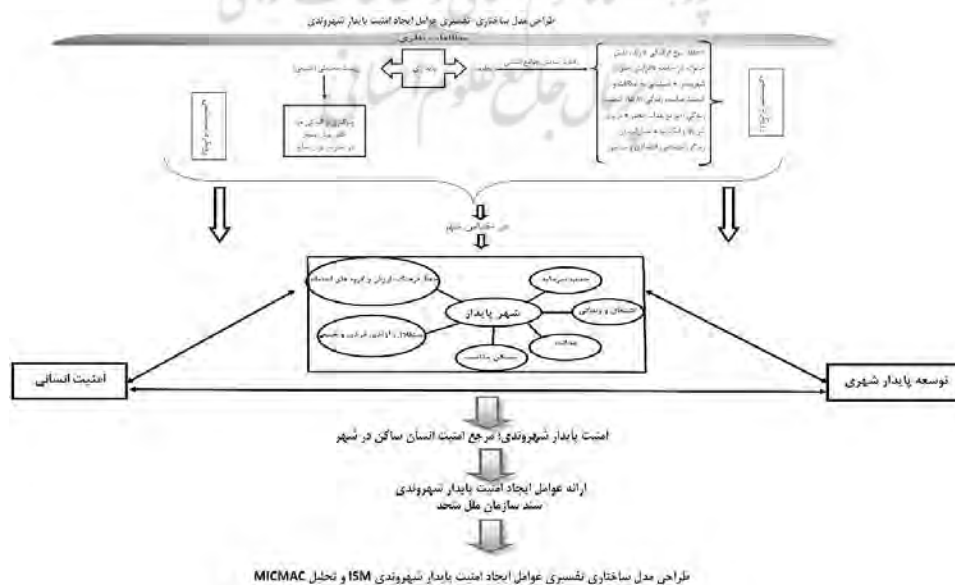
هست و این مفهوم، به دنبال شرایطی است که در چهارچوب آن، دولت‌ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این رو، توسعه و پایداری امنیت در نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و می‌توان چرخه‌ای را تصور کرد که فقر و سایر مؤلفه‌های مرتبط با امنیت انسانی، منجر به ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه شود (Chandler, 2007: 12).

جدول شماره ۳. بررسی‌های مؤلفه‌های امنیت در ادبیات امنیت ملی و امنیت پایدار

مؤلفه‌های امنیت	امنیت ملی	امنیت پایدار
مرجع	دولت	جامعه
موضوع	سرزمین یا نهاد	ایجاد فرصت‌های برابر
منبع	هجوم خارجی یا شورش داخلی	تبعیض
کارگزار	نظامیان	شبکه‌های اخلاقی و اجتماعی
نقش‌نخبگان	تصمیم‌گیری استراتژیک	تسهیلگری
دغدغه	بقاء	بالندگی و رهایی بخشی
اولویت	تهدید خارجی	آسیب‌پذیری داخلی
هنجارهای بین‌المللی	تشریفات	فرصت
دغدغه دولت	نظم	توزیع فرصت
روش تولید امنیت	و اداری سازی	بازدارندگی و ترغیب

منبع: (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۰)

امنیت پایدار برگرفته از مفهوم پایداری است؛ امنیت پایدار شهروندی این مفهوم را در مقیاس شهر با مرجعیت انسان / شهروند با تأکید بر فضاهای شهری، توسعه پایدار و مسائل و بحران‌های شهری مورد توجه قرار می‌دهد. امنیت پایدار شهروندی را می‌توان رهایی از ترس و نیاز انسان ساکن در شهر تعریف کرد، رهایی که ضمن تداوم داشتن، هسته اصلی و ابعاد مختلف زندگی شهروند را شامل شود؛ و نتیجه آن شکل‌گیری رفاه و آسایش و حفظ کرامت انسانی است. در نتیجه امنیت پایدار شهروندی را می‌توان امنیت انسانی در فضاهای شهری با مرجعیت انسان شهری / شهروند تعریف کرد که مانند مفاهیم ترکیبی با پایداری دارای دوام بوده و به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و... در کنار یکدیگر و تعامل باهم، توجه دارد.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش بنیادی و کاربردی است؛ مرحله اول شناسایی عوامل تأثیرگذار برای ایجاد امنیت پایدار شهروندی است که در این راستا با توجه به عوامل ابعاد امنیت انسانی در گزارش توسعه سازمان ملل متحد و مبانی نظری پژوهش ۷ عامل اجتماعی، شخصی/فردی، سیاسی، اقتصادی، غذایی، بهداشتی و محیطی به عنوان عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی در نظر گرفته شده است. در ادامه برای مشخص شدن ویژگی و ابعاد هر یک از عوامل، شاخص‌های دقیقی تعریف شده است. برای تفسیر و مشخص کردن ارتباط بین عوامل و مشخص کردن نقش هر یک، از مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به‌ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه و مشارکت متخصصان، به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد. این رویکرد توسط "وارفیلد" معرفی و توسعه داده شد. وارفیلد دانشمند علوم سیستمی در دانشگاه جورج میسون بود (آذر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵۷). در واقع، مدل‌سازی تفسیری - ساختاری روشی مؤثر و کارا برای موضوعاتی است که در آن متغیرهای کیفی در سطوح مختلف اهمیت بر یکدیگر آثار متقابل داشته و می‌توان با استفاده از این روش، ارتباطات و وابستگی‌های بین متغیرهای کیفی مسئله را کشف، تحلیل و ترسیم کرد (Ruiz & Cambra, 2011: 93). از این رو، سه‌گام اصلی در استقرار مطلوب روش مدل‌سازی تفسیری - ساختاری حیاتی است که عبارت‌اند از: ۱. شناسایی متغیرهای کیفی؛ ۲. تعیین رابطه مفهومی بین متغیرهای کیفی مدنظر با استفاده از ISM؛ ۳. ترسیم شبکه تعاملات متغیرهای کیفی مورد مطالعه (حسینی و اکبری، ۱۳۹۳: ۳۶۳). مراحل طراحی مدل‌سازی ساختاری تفسیری در مراحل زیر شکل می‌گیرد.

به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

این ماتریس یک ماتریس به ابعاد عوامل است که در سطر و ستون اول آن متغیرها به ترتیب ذکر می‌شوند. آنگاه روابط دوبه‌دوی عوامل توسط نمادهایی مشخص می‌شود (تیزرو، ۱۳۸۹: ۶۳). ماتریس خود تعاملی ساختاری بر اساس بحث و نظرات گروه متخصصان تشکیل می‌شود. برای تعیین نوع روابط پیشنهاد شده است که از نظر خبرگان و کارشناسان بر اساس تکنیک‌های مختلف مدیریتی، از جمله طوفان مغزی و تکنیک گروه اسمی و غیره استفاده شود (Singh et al, 2003: 34). برای تعیین نوع رابطه می‌توان از نمادهای زیر استفاده کرد:

جدول شماره ۴. روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

نماد	مفهوم نماد
V	I منجر به J می‌شود. (سطر منجر به ستون)
A	J منجر به i می‌شود. (ستون منجر به سطر)
X	رابطه دوطرفه i و j وجود دارد
O	رابطه معتبری وجود ندارد.

به دست آوردن ماتریس دسترسی اولیه^۴

با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک می‌توان به ماتریس دستیابی رسید. این قواعد در جدول زیر بیان شده است (Thakkar et al, 2007).

1. interpretive structural modelling (ISM)
2. Warfield, j.n.
3. structural self interaction matrix
4. reachability matrix

جدول شماره ۵. نحوه تبدیل روابط مفهومی به اعداد

نماد مفهومی	i به j	J به i
V	۱	۰
A	۰	۱
X	۱	۱
O	۰	۰

سازگار کردن ماتریس دسترسی نهایی

در این مرحله باید انتقال پذیری بین عوامل نیز بررسی شود؛ اگر i منجر به z و z منجر به k شد، آنگاه i باید منجر به k شود (Thakkar et al, 2007). هوانگ و همکاران از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری استفاده کردند بدین صورت که ماتریس دستیابی را به توان $(K+1)$ می‌رساند و $K \geq 1$ است. البته، عملیات به توان رساندن ماتریس باید طبق قاعده بولین^۱ $(1+1=1, 1 \times 1=1)$ باشد (Singh et al, 2003:35).

تعیین سطح عوامل و تشکیل ماتریس مخروطی^۲

برای تعیین سطح و اولویت عوامل مجموعه دسترسی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر عامل تعیین می‌شود. مجموعه دسترسی هر عامل شامل عواملی می‌شود که از طریق این عامل می‌توان به آن‌ها رسید و مجموعه پیش‌نیاز شامل عواملی می‌شود که از طریق آن‌ها می‌توان به این عامل رسید. سپس اشتراکات مجموعه دسترسی و پیش‌نیاز همه عوامل تعیین می‌شود و در صورت برابر بودن مجموعه دسترسی با مجموعه اشتراک آن عامل (عوامل) به‌عنوان سطح بالا در نظر گرفته می‌شود. برای به دست آوردن سایر سطوح باید سطوح قبلی از ماتریس جدا کردند و فرآیند تکرار شود. پس از تعیین سطوح دوباره ماتریس دریافتی را به ترتیب سطوح مرتب کرده، ماتریس جدید، ماتریس مخروطی نامیده می‌شود (Thakkar et al, 2007:35).

رسم نمودار

ابتدا بر اساس سطح، معیارها را طبق اولویت به‌دست‌آمده از بالا به پایین مرتب می‌کنیم. با استفاده از ماتریس حاصل شده از ماتریس دریافتی مرتب‌شده بر اساس سطوح، مدل ساختاری به‌وسیله گره‌ها و خطوط رسم می‌شود. اگر رابطه‌ای از i به j وجود دارد، با پیکانی از i به j مشخص می‌شود.

تجزیه و تحلیل MICMAC

هدف از این تجزیه و تحلیل تشخیص و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی متغیرهاست. منبع این تحلیل جدول ماتریس نهایی است که در آن قدرت نفوذ و وابستگی عوامل مشخص شده است. در این تحلیل عوامل برحسب قدرت هدایت و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- عوامل خودمختار: که دارای قدرت هدایت و وابستگی ضعیف هستند؛ این عوامل نسبتاً غیر متصل به سیستم هستند و دارای ارتباطات کم و ضعیف با سیستم هستند؛ ۲- عوامل وابسته: که دارای قدرت هدایت کم، ولی وابستگی شدید هستند؛ ۳- عوامل پیوندی: که دارای قدرت هدایت زیاد و وابستگی زیاد هستند. این عوامل غیر ایستا هستند، زیرا هر نوع تغییر در آن‌ها می‌تواند سیستم را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت بازخورد سیستم نیز می‌تواند این عوامل را دوباره تغییر دهد؛ ۴- عوامل مستقل: که دارای قدرت هدایت قوی، ولی وابستگی ضعیف هستند (Ravi,

1. Boolean

2. Conical matrix

(2005:14).

بحث و یافته‌ها

امنیت پایدار شهروندی مفهومی پیچیده و چندبعدی است؛ با بررسی ادبیات نظری و مفهوم امنیت پایدار شهروندی و همین‌طور گزارش سازمان ملل در مورد امنیت انسانی، ۷ عامل به‌عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی مورد استفاده قرار گرفته است. پس از شناسایی این عوامل، شاخص‌های تهدیدکننده این عوامل نیز برای شرح بهتر عوامل آورده شده است. برای طراحی مدل ساختاری تفسیری ابتدا ماتریس خود تعاملی ساختاری تشکیل می‌شود. این ماتریس با مقایسه زوجی متغیرهای مسئله توسط کارشناسان و با به کار بردن حروف O, X, V, A تشکیل می‌شود. تعداد خبرگان شرکت‌کننده در ISM مقالات بررسی شده معمولاً بین ۱۴-۲۰ نفر انتخاب شده است (لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ فیسال و همکاران، ۲۰۱۰؛ هچپچا و المسالمی، ۲۰۱۳؛ رامش و همکاران، ۲۰۰۸؛ پندی و گرج، ۲۰۰۹؛ چاران و همکاران، ۲۰۰۸). با در نظر گرفتن معیارهای یادشده در نهایت ۳۰ تن از خبرگان و کارشناسان امنیت و مسائل شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی برای مشخص کردن ارتباط عوامل با یکدیگر و تشکیل ماتریس اولیه در نظر گرفته شده؛ بنابراین ماتریس خودتعاملی ساختاری با استفاده از ۴ حالت روابط مفهومی عوامل شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی تشکیل شد.

عوامل و شاخص‌های امنیت شهروندی

برای مشخص شدن ویژگی و ابعاد هر یک از عوامل، شاخص‌های دقیقی تعریف و مشخص شده است. این شاخص‌ها حاصل تجزیه عوامل و مطالعات نظری پژوهشگران این مقاله در پژوهشی گسترده‌تر است؛ شاخص‌های عوامل با مشخص کردن ابعاد عوامل، چگونگی ارتباط بین آن‌ها را واضح‌تر می‌نماید.

جدول شماره ۶. عوامل و شاخص‌های شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی

عوامل امنیت شهروندی	شاخص‌های تهدید این عامل
اجتماعی	تبعیض و تضاد قومی، نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی، فروپاشی خانواده، نابودی زبان‌ها و فرهنگ‌های سنتی، بی‌عدالتی، نرخ بالای موالید، عدالت اجتماعی-آموزشی، تعداد مدارس، نسبت دانش‌آموز به معلم، هویت اجتماعی، نرخ پایین موالید، میزان سواد، کارآمدی نظام آموزشی و تناسب آن با نیازهای شهری
شخصی / فردی	نرخ جرائم خشن، قاچاق مواد مخدر، خشونت و سوءاستفاده از زنان و کودکان، برده‌داری و قاچاق انسان، بدرفتاری نسبت به زنان و کودکان، کودک ربایی، آدم‌ربایی، زلزله، سیل، کرامت انسانی، بهره‌مندی از حقوق انسانی
سیاسی	فشارهای حکومتی، خشونت نظام‌مند علیه حقوق انسانی، نقض نظام‌مند حقوق بشر، حقوق مشروع، قدرت مشروع، کاربرد غیرقانونی قدرت، ثبات سیاسی، احزاب، مشارکت و پاسخگویی
اقتصادی	نبود شغل مولد، بی‌ثباتی شغلی، نبود شبکه‌های ایمنی با تأمین مالی بخش عمومی، بیکاری درازمدت، تعداد افراد زیرخط فقر، نوع و میزان یارانه دولتی، رضایت و اطمینان از درآمد، عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی مناسب، سیاست‌های رفاهی و وجود درآمد پایه و مطمئن برای افراد
غذایی	عدم برخورداری از خوراک، دسترسی ناکافی به منابع، توزیع ناعادلانه غذا، عدم دسترسی فیزیکی به غذا، فقدان توان خرید و خشک‌سالی
بهداشتی	بیماری‌های مسری و انگلی، بیماری‌های تهدیدکننده حیات، نبود آب آشامیدنی سالم، آلودگی هوا، عدم دسترسی به تسهیلات و مراقبت‌های سلامتی، سوءتغذیه، عدم توان مالی سلامت، ناکافی بودن دارو، تعداد گروه‌های آسیب‌پذیر

1. Lee
2. Hachichal & Elmsalmi
3. Rmsh
4. Pandey & Garg
5. Charan

یارانه‌های رفاهی برای هزینه‌های درمانی - بهداشتی	
کاهش دسترسی به آب سالم، کاهش اراضی حاصلخیز، بیابان‌زایی، از بین بردن فضای سبز، آلودگی هوا، اثر آلودگی‌های شیمیایی و خاک و آب کشاورزی و آب آشامیدنی، بافت‌های فرسوده و ناامن	محیطی

جدول شماره ۷. ماتریس خود تعاملی ساختاری

عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی	محیطی	بهداشتی	غذایی	اقتصادی	سیاسی	شخصی فردی	اجتماعی
اجتماعی	X	V	X	A	A	V	-
شخصی/فردی	A	A	A	A	A	-	
سیاسی	V	O	O	X	-		
اقتصادی	O	V	V	-			
غذایی	O	X	-				
بهداشتی	X	-					
محیطی	-						

در مرحله بعد ماتریس خود تعاملی ساختاری با توجه به قوانین گفته شده، به ماتریس دسترسی اولیه (جدول شماره ۸) دو ارزشی صفر و یک تبدیل می‌شود.

جدول شماره ۸. ماتریس دسترسی اولیه

عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی	محیطی	بهداشتی	غذایی	اقتصادی	سیاسی	شخصی فردی	اجتماعی
اجتماعی	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
شخصی/فردی	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰
سیاسی	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰
اقتصادی	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
غذایی	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱
بهداشتی	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱
محیطی	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱

در گام بعدی با دخیل نمودن انتقال‌پذیری عوامل شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی، ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. در این ماتریس قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر عامل در برابر عوامل دیگر مشخص می‌شود. قدرت نفوذ هر عامل از جمع تعداد عوامل متأثر از آن و خود عامل به دست می‌آید. میزان وابستگی یک عامل از جمع عوامل که از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و خود عامل به دست می‌آید. نتایج حاصل از جدول ماتریس نهایی نشانگر این است که عامل اقتصادی بیشترین تأثیر و عامل شخصی/فردی کمترین تأثیر را دارد. این جدول مبنای تحلیل MICMAC است که عوامل اصلی و مهم شکل‌گیری مفهوم امنیت پایدار شهروندی را برای طراحی برنامه‌ریزی و الگوی مدیریت شهری مشخص می‌کند.

جدول شماره ۹. ماتریس دسترسی نهایی

عوامل	اجتماعی (۱)	شخصی/فردی (۲)	سیاسی (۳)	اقتصادی (۴)	غذایی (۵)	بهداشتی (۶)	محیطی (۷)	قدرت نفوذ
اجتماعی (۱)	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۵
شخصی/فردی (۲)	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
سیاسی (۳)	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۵
اقتصادی (۴)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۶
غذایی (۵)	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۴
بهداشتی (۶)	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۴
محیطی (۷)	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۴
میزان وابستگی	۵	۷	۲	۲	۴	۵	۴	

ماتریس دسترسی نهایی باید به سطوح مختلف دسته‌بندی شود. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی به ازای هر کدام از آن‌ها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌شود. در نخستین جدول شاخص یا متغیرهای که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آن یکی است، در فرآیند سلسله‌مراتب به‌عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند، به طوری که این متغیرها در ایجاد هیچ متغیر دیگری مؤثر نیستند. آن متغیرها پس از شناسایی بالاترین سطح از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شود. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابد. در این پژوهش سطوح سه‌گانه عوامل در سه جدول به‌دست‌آمده است. عوامل امنیت پایدار شهروندی که مجموعه خروجی و مشترک آن‌ها کاملاً یکسان باشند، در بالاترین سطح از سلسله‌مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱۰. سطح‌بندی عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی سطح یک

عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
اجتماعی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۱
شخصی/فردی	۲	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷	۲	۱
سیاسی	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷	۳،۴	۳،۴	۲
اقتصادی	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷	۳،۴	۳،۴	۲
غذایی	۱،۲،۵،۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۱
بهداشتی	۱،۲،۵،۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۱
محیطی	۱،۲،۵،۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۱

با مشخص شدن بالاترین سطح عامل ۲ از سایر عوامل جدا و حذف می‌گردد، این عمل تا زمانی که سطح تمام عناصر مشخص شود همان‌گونه که در جداول زیر مشخص است، تکرار می‌گردد.

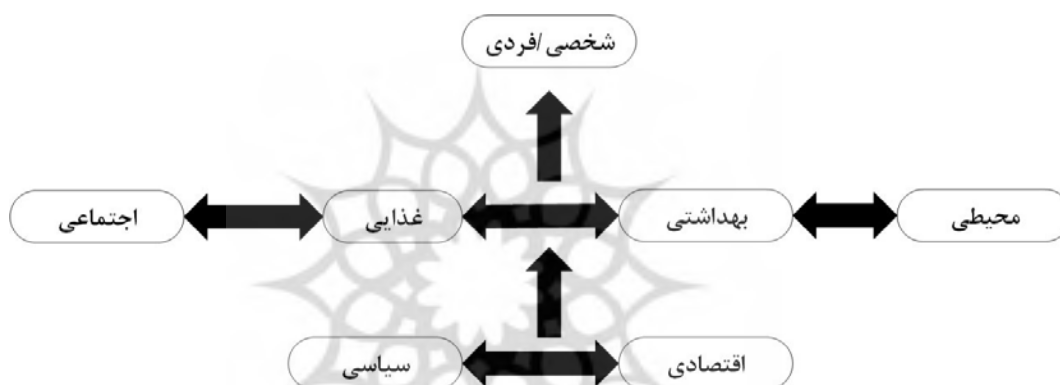
جدول شماره ۱۱. سطح‌بندی عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی سطح دو

عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
اجتماعی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۲
شخصی/فردی	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۳،۴	۳،۴	۲
سیاسی	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۳،۴	۳،۴	۲
اقتصادی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۲
غذایی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۲
بهداشتی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۲
محیطی	۱،۵۶،۷	۱،۳،۴،۵،۶،۷	۱،۵۶،۷	۲

جدول شماره ۱۲. سطح بندی عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی سطح سه

عوامل ایجاد امنیت پایدار شهروندی	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
سیاسی	۳،۴	۳،۴	۳،۴	۳
اقتصادی	۳،۴	۳،۴	۳،۴	۳

جدول فوق مشخص می کند عوامل شکل گیری مفهوم امنیت پایدار شهروندی از ۳ سطح تشکیل می شود. عامل شخصی/فردی در سطح اول؛ عوامل اجتماعی، غذایی، بهداشتی و محیطی در سطح دوم و عوامل سیاسی و اقتصادی در سطح سوم قرار می گیرد. با توجه به سطح عوامل و ماتریس دسترسی نهایی، یک مدل اولیه رسم و با حذف انتقال پذیری در مدل اولیه، مدل نهایی به دست می آید. همان طور که مشخص است مدل نهایی به دست آمده از سه سطح تشکیل شده است. عواملی که در سطوح بالاتر هستند از تأثیرگذاری کمتری برخوردارند و بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل می باشند. عوامل سیاسی و اقتصادی در سطح پایین قرار گرفته اند و بیشترین تأثیر را روی عوامل دیگر دارند. عامل شخصی و فردی در بالاترین سطح کاملاً متأثر از سایر عوامل است.



شکل شماره ۲. طراحی مدل ساختاری تفسیری عوامل شکل گیری امنیت پایدار شهروندی

تحلیل MICMAC

در این مرحله عوامل به ۴ گروه طبقه بندی شده است. با توجه به جدول شماره ۹ میزان نفوذ و وابستگی هر یک از عوامل در ارتباط با یکدیگر شده است. برای این تحلیل جدولی طراحی می شود که به تعداد عوامل (۷ عامل) سطر و ستون داشته باشد. هر عامل میزان نفوذ و وابستگی مخصوص در محور سطر (وابستگی) و ستون (نفوذ) را دارا است. به عبارتی هر عامل در جدول شماره ۹ دارای دو عدد است، میزان وابستگی در سطر جدول و قدرت نفوذ در ستون جدول مشخص می گردد و نقطه تقاطع سطر و ستون، جایگاه عامل را در تحلیل MICMAC مشخص می کند.

اولین گروه شامل عوامل خودمختار (ناحیه ۱) که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. آن گونه که از نمودار قدرت نفوذ و وابستگی مشخص است هیچ یک از عوامل در این ناحیه قرار نگرفته اند. در دسته دوم عوامل وابسته هستند (ناحیه ۲) که قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی و اثرپذیری بالایی برخوردارند. به عبارتی برای ایجاد این عوامل زیادی تأثیرگذار هستند و خود این عامل کمتر می تواند زمینه ساز شکل گیری سایر عوامل شود. عامل شخصی/فردی در این گروه قرار دارد. دسته سوم عوامل پیوندی (ناحیه ۳) می باشند که از قدرت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند. عوامل بهداشتی، غذایی، محیطی و اجتماعی در این دسته قرار دارند؛ هرگونه تغییری در این عوامل سایر عوامل را متأثر می کند. گروه چهارم عوامل مستقل (ناحیه ۴) را در برمی گیرد. این عوامل دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی هستند؛ و برای ایجاد امنیت پایدار شهروندی ابتدا به این عوامل نیاز است. عوامل اقتصادی و سیاسی در این ناحیه قرار دارند.

		اقتصادی					پیوندی
		سیاسی			اجتماعی		
				غذایی	بهداشتی		
				محیطی			
قدرت نفوذ							
							شخصی
							فردی

میزان وابستگی

شکل شماره ۳. نمودار قدرت نفوذ و وابستگی

نتیجه گیری

شکل گیری امنیت پایدار شهروندی در فضاهای شهری به عنوان یک مفهوم پیچیده و سیستمی نیازمند توجه به عوامل مختلف و متنوع تأثیرگذار در این مفهوم را دارد. همچنین اثرگذاری و ارتباط بین این عوامل برای مدیریت فضاهای شهری و رسیدن به امنیت پایدار شهروندی لازمه اصلی محقق شدن این سیستم است. این پژوهش ضمن تعریف مفهوم امنیت پایدار شهروندی و مشخص کردن عوامل تأثیرگذار در شکل گیری آن با روش ساختاری تفسیری ارتباط بین عوامل را نیز مشخص کرده است؛ ۷ عامل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، غذایی، محیطی و شخصی/فردی) از درون مطالعات نظری، مفهوم پایداری و اسناد معتبر بین المللی به عنوان عوامل اصلی شکل گیری امنیت پایدار شهروندی مشخص گردید. برای هر یک از عوامل نیز شاخص هایی مشخص شده است که در مجموع ۶۴ شاخص را شامل می شود. نتایج مقاله مشخص کرده است که از لحاظ قدرت نفوذ (میزان تأثیری که هر عامل بر سایر عوامل دارد) دو عامل سیاسی و اقتصادی با بالاترین قدرت نفوذ و تأثیرگذاری مینا و محرک سایر عوامل، در شکل گیری امنیت پایدار شهروندی است. در مقابل عامل فردی و شخصی با قدرت نفوذ ۱ کمترین تأثیر را دارد. وابستگی عامل شخصی/فردی به سایر عوامل به گونه ای تأیید تعریف امنیت پایدار شهروندی به صورت امنیت در فضاهای شهری با مرجعیت انسان است؛ به عبارتی امنیت انسانی در شهر را نیز شامل می شود؛ زیرا که این عامل به صورت فردی و مفعول، تحت تأثیر عواملی است که کاملاً زندگی شخصی و کرامت انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارتی فرد/شخص خروجی اصلی و هدف سیستم پیچیده امنیت پایدار شهروندی است. نبود عامل خودمختار که دارای قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی هستند، دال بر ارتباط و تأثیرگذاری همه عوامل امنیت پایدار شهروندی با یکدیگر است؛ زیرا که عوامل خودمختار به نحوی با قدرت نفوذ و وابستگی پایینی که دارا هستند، خارج از سیستم تلقی می شوند. همان گونه که پایداری و شرایط شکل گیری پایداری در امنیت تعریف شد لازمه آن پیوستگی عوامل شکل گیری باهم است؛ که با تأکید مؤثر بر همه ابعاد را در برمی گیرد. بنابراین نگاه تک بعدی به مسئله امنیت پایدار شهروندی در برنامه ریزی های شهری، مدیران را به امنیت پایدار نخواهد رساند. عوامل پیوندی (اجتماعی، بهداشتی، محیطی و غذایی) به عنوان حد وسط عوامل وابسته و مستقل با نگاه سیستمی و تعداد بیشتر (۴ عامل) بالاترین تأثیر را می تواند در شکل گیری امنیت پایدار شهروندی داشته باشد. به عبارتی برای ایجاد و ارتقاء امنیت پایدار شهروندی، مدیریت، کنترل و ارتقاء این عوامل نقش قابل توجهی دارند؛ زیرا که هرگونه تغییر در آنها کل سیستم امنیت پایدار شهروندی را تحت الشعاع قرار می دهد. عوامل سیاسی و اقتصادی در این مدل زیربنای هرگونه تغییر و ارتقا به حساب آمده اند و برای شروع تحولات سیستمی نیاز به اصلاحات این دو عامل را دارد و همین طور نقش عوامل مدیریتی و کلان را در شکل گیری امنیت پایدار شهروندی نشان می دهد؛ این دو عامل همگام \square عوامل را

متأثر کرده؛ و خود کمتر تأثیرپذیر هستند. به عبارتی سیاست و اقتصاد شهری موتور محرکه ایجاد امنیت پایدار شهروندی است. تحلیل MICMAC نشان می‌دهد که عامل فردی/شخصی با بیشترین وابستگی و کمترین نفوذ به‌عنوان خروجی سیستم امنیت پایدار شهروندی به‌حساب می‌آید. برای ایجاد تغییر و ارتقاء عامل امنیت شخصی/فردی همه عوامل دخیل هستند؛ و خود عامل کمتر می‌تواند زمینه‌ساز تغییر تأثیر در مفهوم امنیت پایدار شهروندی شود. در مفهوم امنیت پایدار شهروندی عوامل خودمختار وجود ندارد، این مورد تأکیدی بر سیستمی بودن و به‌هم‌پیوستگی بالای عوامل در ایجاد مفهوم امنیت پایدار شهروندی است. عوامل سیاسی و اقتصادی از عوامل کلیدی شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی به‌حساب می‌آیند. همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش و ادبیات نظری تأکید شده بود که برای رسیدن به مفهوم پایداری نبود فقر، وجود رفاه و آسایش انسانی در سایه برنامه‌ریزی دقیق الزامی است. در واقع هرگونه عملی در این ۲ عامل کل سیستم و سایر عوامل را متأثر می‌کند. سیاست و اقتصاد با رابطه متقابل امنیت پایدار را شروع می‌کند، تا به شهروندی برسد که ازهرجهتی احساس امنیت می‌کند و این امنیت تداوم دارد. با توجه به عوامل شناسایی‌شده و تجزیه تحلیل به‌عمل آمده بر روی این عوامل پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به سیاست‌های مدیریت شهری و سرزندگی اقتصادی برای رسیدن به امنیت پایدار شهروندی شود. اشتغال و درآمد پایدار و رسیدن به استانداردهای رفاه و آسایش به‌عنوان معلول رابطه سیاست و اقتصاد در شکل‌گیری امنیت پایدار شهروندی حائز اهمیت است. این در صورتی است که بدون عامل اقتصاد نمی‌توان امنیت پایدار شهروندی را در سیستم شهری قرارداد؛ و باید اقدامات اساسی برای حل مسئله اشتغال و کارآفرینی، از بین بردن نابرابری و فقر صورت بگیرد.

منابع

- ۱) ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳) بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص. ۳۰-۷.
- ۲) احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصلو، طهمورث؛ حیدری موصلو، طیبه (۱۳۸۹) تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، فصلنامه انتظام اجتماعی، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۱، صص. ۶۲-۳۵.
- ۳) آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه؛ جلالی، رضا (۱۳۹۵) تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی مسئله، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ۴) توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳) واقعیت‌های اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، تابستان ۱۳۸۳، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۶۲-۳۲.
- ۵) تیزرو، علی (۱۳۸۹) طراحی مدل زنجیره تأمین چاپک- رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، شرکت سهامی ذوب‌آهن، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، رشته مدیریت صنعتی تحقیق در عملیات، به راهنمایی عادل آذر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۶) حسینی، میرزاحسن و اکبری، مهدی (۱۳۹۳) طراحی الگوی سرآمدی مدیریت دانش سازمانی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۶، شماره ۳، صص. ۳۷۴-۳۵۱.
- ۷) سرور، رحیم؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ ویسیان، محمد (۱۳۹۳) بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)، فصلنامه جغرافیای انتظامی، پاییز ۱۳۹۳، سال ۲، شماره ۷، صص. ۵۴-۲۵.
- ۸) عباس زاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۹۰، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص. ۵۸-۳۱.
- ۹) علی بخشی، سجاد (۱۳۹۴) نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی، به

راهنمایی اصغر عسگری خانقاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۱۰) کارولین، توماس (۱۳۸۲) حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه: مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

۱۱) کیانی، اکبر (۱۳۹۳) بررسی امنیت پایدار پارک ملت شهر زابل با تأکید بر خواست شهروندان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، به راهنمایی غلامعلی خمر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل.

۱۲) کینگ، گری و کریستوفر موری، (۱۳۸۳) بازاندیشی در امنیت انسانی. ترجمه: مرتضی بحرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۳، دوره ۷، شماره ۲۶، صص. ۱-۲۵.

۱۳) محبی نیا، علی (۱۳۹۳) تحلیل اثرات سکونتگاه‌های روستایی مرزی بر امنیت پایدار (مطالعه موردی: مناطق روستایی سیستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، به راهنمایی محمود رضا میر لطفی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زابل

۱۴) ماندل، رابرت (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

15) Alkire, Sabina. (2003) "A conceptual framework for human security", Center for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity, CRISE, University of Oxford

16) Bilgin, Pinar. (2007) "Security studies: Theory/practice, Cambridge Review of International Affairs, Vol.12, No.2, pp.31-42

17) Bollens, S. A. (2008) Human Security through an Urban Lens Human Security Through an Urban Lens, Journal of Human Security, Vol.4, No.3, pp. 36-53.

18) Chandler, D. C. (2007) The Security-Development Nexus and the Rise of "Anti-Foreign Policy." Journal of International Relations and Development, Vol.10, No.4, pp.362-382.

19) Hodson, M. & Marvin, S. (2009) "Urban ecological security": a new urban paradigm? International Journal of Urban and Regional Research, Vol.33, No.1, pp.193-215.

20) Jitesh Thakkar, S.G. & Deshmukh, A.D. Gupta. & Ravi, Shankar. (2007) "Development of a balanced scorecard An integrated approach of Interpretive Structural Modeling (ISM) and Analytic Network Process (ANP)", International Journal of Productivity and Performance Management, Vol.56, No.1, pp. 25-59.

21) Makinda, Samuel. (2008) "International law and security: exploring a symbiotic relationship", Australian journal of international affairs, Vol.51, No.3, pp.325-338

22) Raco, M. (2007) Securing sustainable communities: citizenship, safety and sustainability in the new urban planning. European Urban and Regional Studies, Vol.14, No.4, pp.305-320.

23) Ravi, V. & Shankar, R. & Taiwari, M.K. (2005) "Productivity improvement of a computer hardware supply chain", International Journal of Productivity and Performance Management, Vol.54, No.4, pp.239-255

24) Ruiz-Benitez, R. & Cambra-Fierro, J. (2011) Reverse Logistics Practices in the Spanish SMEs Context, Journal of Operations and Supply Chain Management, Vol.4, No.1, pp.84-93.

25) Singh, M.D. & Shankar, R. & Narain, R. & Agarwal, A. (2003) "An interpretive structural modeling of knowledge management in engineering industries", Journal of Advances in Management Research, Vol.1 No.1, pp.28-40.

26) United Nations Development Programme, Human Development Report, 1994, New York: Oxford University Press.